

انواع غش در معامله

۱. غش به خلط و مزج

یعنی این جنسی که مورد معامله است، خواه ثمن باشد یا مثنی، با چیزی ممزوج شود. این ممزوج شدن به دو صورت است:

الف) چیزی را به غیر جنس خودش ممزوج می کنند؛ مثل اینکه گندم را خاک آلود می کنند تا وزن گندم را زیاد کنند. یا شیر را با آب مخلوط می کنند.

ب) خلط و مزج به همان جنس است، لکن نوع پست تر آن؛ مثلاً روی ظرفی، خرما مرغوب و زیر آن خرمای نامرغوب می چیند. یا در ماشین یا وسیله برقی، کسی جزء صحیح را برمی دارد و جای آن جزء معیوب می گذارد. یا قطعه ای را که از آلیاژ بهتری است، برمی دارد و قطعه ای با آلیاژ پست تر می گذارد که این یک نوع خلط و مزج، از قبیل خلط گندم مرغوب با گندم نامرغوب است. (مکاسب محرمه، ج ۲۳۴، ص ۵)

۲. عیبی را در متاع مخفی کردن

در این قسم از غش، عیبی از مشتری مخفی می شود؛ مثلاً اتومبیلی را برای فروش رنگ می زنند. یا تودوزی آن را تعویض می کنند تا طرف دیگر گمان کند اتومبیل نو است. یا یک جنس معیوب را به صورت سالم جلوه می دهند. (مکاسب محرمه، ج ۲۳۴، ص ۶)

۳. تصرفی که کمیت جنس را زیاد می کند

مثلاً چرمی که با وزن فروخته می شود، در محل مرطوبی می گذارد تا وزنش زیاد شود یا کلاف ابریشم را می گذارند در جایی که مرطوب و سنگین شود. این هم یکی از انواع غش است. (مکاسب محرمه، ج ۲۳۴، ص ۱۰)

۴. ذکر صفت مرغوب فیه برای آن جنسی که این صفت را ندارد

مثلاً اتومبیلی را که به طور متعارف، فلان مقدار مصرف بنزین آن است، می فروشد، اما به دروغ مقدار کمتری را ذکر می کند. یا اسبی را به عنوان اسب مسابقه می فروشد، در حالی که این صفت مرغوب در او نیست. یا جنسی است که اگر از فلان کارخانه باشد، مرغوب تر است، او جنس کارخانه نامرغوب را به جای جنس کارخانه مرغوب می دهد. در این قسم، اگر بنای خریدار بر این است که جنس دارای این صفت را بخرد، بی تردید غش است. (مکاسب محرمه، ج ۲۳۴، ص ۶)

۵. شیئی را می دهد به جای شیئی که در ماهیت با آن متفاوت است.

مانند این که مذهب را به جای ذهب می دهد؛ مثلاً روی مس آب طلا می کشد و آن را به عنوان طلا می فروشد. یا به جای گل طبیعی، گل مصنوعی می فروشد. این قسم نیز جزو غش محسوب می شود. (مکاسب محرمه، ج ۲۳۵، ص ۱۱)